

بسمه تعالی

مسجد جلیلی؛ پایگاهی مهم برای انقلابیون

مرتضی شیرودی

مقدمه

آنچه باعث توجه تحلیلگران امور اجتماعی - سیاسی به انقلاب شد، نقش باورهای دینی، نهادها و نیروهای مذهبی در آفرینش آن بود. در این میان، نقش نیروهای مذهبی، مساجد و روحانیان بسیار اهمیت دارد؛ زیرا در برابر وضع ناگوار جامعه حاضر به سکوت نشدند و برای بیداری و آگاه‌ساختن مردم همه‌ی تلاش خود را کردند. مردم برای انجام فرایض دینی به مسجد می‌آمدند و روحانیان از این مکان برای ارتباط مستقیم با آن‌ها استفاده کردند. آن‌ها در کنار بیان مسائل دینی و معنوی، مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به مردم گوشزد می‌کردند. بنابراین، طولی نکشید که مساجد به پایگاهی برای فعالیت علیه رژیم تبدیل شدند.

مهم‌ترین فعالیت‌های مساجد عبارت بودند از: توزیع اعلامیه‌ها، سخنرانی، آموزش قرآن و مسائل دینی، تفسیر قرآن، کمک به محرومان جامعه، برگزاری جشن‌های مذهبی و مراسم سوگواری، بیان فتوای مجتهدان به ویژه آیت الله خمینی (رحمة الله علیه) و ... این قبیل فعالیت‌ها باعث حساسیت بیش از حد ساواک به مساجد شد؛ اما از آنجا که مساجد در سراسر شهرها و روستاها پراکنده بودند، ساواک نمی‌توانست کنترلی دقیق بر آن‌ها داشته باشد. از سوی دیگر، ساواک قادر نبود همه‌ی مساجد را تعطیل کند و فقط می‌توانست وعاظ را ممنوع‌المنبر کند یا در بعضی مواقع تبعید و زندانی کند. با این حال، فعالیت سیاسی مساجد هیچ‌گاه تعطیل نشد و در موقعیت‌های بحرانی، که امکان فعالیت سیاسی به صورت آشکار وجود نداشت، در پوشش فعالیت‌های غیرسیاسی (فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی) اهداف خویش را دنبال می‌کردند.

تاریخچه‌ی مسجد جلیلی

از جمله مساجدی که در آن دوران فعالیت داشت، مسجد جلیلی بود که علاوه بر آموزه‌های دینی مسائل سیاسی را نیز به ویژه برای جوانان بازگو می‌کرد. امام جماعت مسجد جلیلی آیت الله مهدوی کنی بود که از همان ابتدا مسجد را به سوی مسائل سیاسی، فرهنگی و خدماتی سوق داد؛ از جمله اقدامات ایشان در این زمینه عبارت است از: بهره‌گیری از واعظان انقلابی، حمایت از اندیشه‌های رهبری

نهضت و انتقال آن‌ها، تشکیل کلاس‌های آموزشی و تشکیل گروه امدادگران بیماران و مستمندان آبرومند.

مسجد جلیلی یا فرشچی به نام بانی‌اش، حاج مهدوی جلیلی فرشچی، نام گذاری شده است. حاج مهدوی جلیلی این مسجد را در ۱ فروردین ۱۳۴۰ وقف کرد و فرزندانش (شمس‌الدین و ضیاءالدین) را متولی مسجد کرد. این مسجد در خیابان ایران‌شهر جنوبی، در میدان فردوسی، قرار دارد. به‌طور کلی می‌شود گفت که آن منطقه تجاری بوده است. افرادی که در آن منطقه سکونت داشتند یا بهایی بودند یا مسیحی یا یهودی. کار ساخت این مسجد در بنایی به وسعت ۷۰۰ متر، در باغ حاج مهدی جلیلی، در سال ۱۳۳۵ آغاز شد و در سال ۱۳۳۹ پایان یافت. جلیلی پیش از افتتاح مسجد در گذشت و برخلاف وصیت خود در قم به خاک سپرده شد؛ زیرا شهرداری با دفن ایشان در مقبره‌ی کتابخانه‌ی مسجد مخالفت کرد. مسجد در سال ۱۳۴۰ به‌دست آیت‌الله سرخه‌ای (کسی که مرحوم جلیلی تولیت مسجد را به او سپرده بود.) افتتاح شد.

گام بعدی، پس از ساخت مسجد، تأمین هزینه‌ی آن بود. بخشی از هزینه را حاج ضیاءالدین جلیلی پرداخت می‌کرد و بخشی دیگر از اجاره‌ی املاک متعلق به مسجد تأمین می‌شد. البته در این بین نباید کمک‌های مالی کسبه و برخی از شرکت‌ها (از جمله شرکت صافیار) را نادیده گرفت. مدتی بعد، آیت‌الله العظمی سرخه‌ای داماد خود، آیت‌الله مهدوی، را امام جماعت مسجد کرد. حاج آقا مهدوی نحوه‌ی آغاز فعالیت خود را چنین بیان می‌کند: بنده از قم که آمدم، تقریباً اواخر سال ۱۳۴۰ بود. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی این مسجد تازه بنا شده بود و از بنده دعوت کردند در آنجا امامت کنم. البته واسطه‌ی این دعوت مرحوم آیت‌الله سرخه‌ای بود که پدر زن بنده بودند. آن موقع، مکان مسجد جلیلی بالای شهر تهران بود. یادم هست اولین سالی که در آنجا شرکت کردم ۱۳۴۱ بود. ماه رمضان سال ۱۳۴۱ بنده در آنجا اقامه‌ی نماز می‌کردم.

ابتدا، تعداد اندکی جذب مسجد شده بودند؛ مانند محمد زرگر که از اعضای دائم مسجد بود. ایشان در این باره گفته است: اوایل خیلی خلوت بود. مثلاً شب‌های اول فقط پنج نفر بودیم. بعدها با حضور آیت‌الله مهدوی کنی و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و آموزشی ایشان به تدریج جمعیت مسجد بیشتر شد. اولین اقدام آیت‌الله مهدوی تلاش برای بستن یا خریدن مغازه‌های مشروب‌فروشی روبه‌روی مسجد بود. به تدریج ساکنان منطقه، که بیشتر اقلیت‌های دینی بودند، نه تنها واکنش منفی به فعالیت‌های مسجد نشان ندادند، بلکه از فعالیت‌های آموزشی آن نیز استقبال کردند.

مسجد جلیلی در نهضت اسلامی

پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی، امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) همچون رهبری سیاسی - مذهبی مطرح شد. با توجه به موقعیت سیاسی موجود در این دوره، زمینه برای فعالیت سیاسی در مسجد مهیا شد و کارهایی از قبیل توزیع اعلامیه‌های امام (رحمة‌الله‌علیه)، بیان نظرهای او و حمایت قاطعانه از رهبری امام (رحمة‌الله‌علیه) در صدر کارهای مسجد قرار گرفت. اما فعالیت‌های مسجد جلیلی بسیار گسترده بود؛ از جمله:

الف - پایگاهی برای انتقال اندیشه‌ی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)

سیاسی شدن مسجد جلیلی مرهون تفکر و عملکرد سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی بود. کارهای سیاسی زیر پوشش کارهای فرهنگی و اجتماعی صورت گرفت؛ مثلاً رساله‌ی امام (رحمة‌الله‌علیه) تدریس می‌شد. در واقع، مسجد جلیلی یکی از اولین پایگاه‌هایی بود که مبارزه با شاه را آغاز کرد. آیت‌الله مهدوی نحوه‌ی فعالیت خود را در این مسجد چنین توصیف می‌کند: بعد از فوت آقای بروجردی، در مرجعیت احدی را اسم نیاوردم و می‌گفتم من غیر از امام (رحمة‌الله‌علیه) کسی را نمی‌شناسم. آن وقت بردن اسم امام (رحمة‌الله‌علیه) در مسجد ممنوع بود. اوایل که می‌شد رساله بخوانیم، رساله را باز می‌کردم و شکایات و فتوای حضرت امام (رحمة‌الله‌علیه) را می‌گفتم. از آنجا که برای رژیم خیلی ناگوار بود حتی اسمی از ایشان برده شود، در هر منبر دو مسئله از فتوای آیت‌الله‌العظمی خمینی (در آن موقع به ایشان امام نمی‌گفتند) را می‌گفتم.

بعد از واقعه‌ی پانزده خرداد، تبعید امام (رحمة‌الله‌علیه) پیش آمد و هیچ کس جرأت نمی‌کرد اسم امام را بیاورد؛ اما آیت‌الله مهدوی صراحتاً از امام یاد می‌کرد و این امر سبب جذب افراد زیادی به مسجد شد از دیگر فعالیت‌های مسجد، برای آشنایی هرچه بیشتر با امام (رحمة‌الله‌علیه)، فروش رساله‌ی امام (رحمة‌الله‌علیه) و بیان نظرهای ایشان بود. برای انتقال اندیشه‌ی امام (رحمة‌الله‌علیه) به وعاظ خاصی نیاز بود و این امر وجه تمایز مسجد سیاسی با دیگر مساجد بود. مسجد جلیلی، با بهره‌مندی از بهترین سخنرانان، به پایگاه و کانون مبارزاتی علیه حاکمیت پهلوی تبدیل شد. نحوه‌ی انتخاب وعاظ، به خصوص در ماه رمضان و محرم و صفر، برای مسجد اهمیت دوچندان داشت و در مورد این مسئله گاه میان متولی مسجد (حاج ضیاءالدین جلیلی) و آیت‌الله مهدوی اختلاف نظر وجود داشت. حاج جلیلی خواهان دعوت وعاظی بود که مشکلی برای مسجد ایجاد نمی‌کردند و مکرر یادآور می‌شد که می‌ترسم با بی‌پروایی مهدوی، در انتخاب وعاظ، درب مسجد را ببندند. در مقابل، آیت‌الله مهدوی می‌گفتند: مسجد ساختن افتخار

نیست؛ در مسجد باید حرف حق گفته شود. اگر درب مسجد بسته شود، طوری نیست؛ ولی ما وظیفه‌ای داریم که باید آن را انجام دهیم.

آیت‌الله مهدوی اصرار داشت انتخاب وعاظ را به شور بگذارد، تا در صورت مخالفت رژیم با منبر وعاظ دعوت شده، به نوعی درصدد جلب موافقت دعوت کنندگان برآید؛ ولی معمولاً پیش از ماه محرم، از کلانتری، متولی مسجد را احضار و ملزم می‌کردند فقط از وعاظ مجاز استفاده کند. با وجود چنین محدودیت‌هایی، مسجد همچنان به برنامه‌های خود ادامه داد و از وجود وعاظ انقلابی بهره برد. آیت‌الله مهدوی خود از سخنرانان اصلی مسجد بود و بیشتر حول محور اسلام (از جمله مسئله‌ی حکومت اسلام و تعیین نوع حاکمیت برای کشور) و مسائل دیگر نظیر اقتصاد اسلامی سخنرانی می‌کرد. در سخنرانی‌ای که ۱۱ شهریور ۱۳۵۷ ایراد کرد، در رد مندرجات مطبوعات اظهار داشت: ما فقط به دنبال حاکمیت اسلام هستیم.

از دیگر سخنرانی‌های آیت‌الله مهدوی، که نشان‌دهنده‌ی فعالیت سیاسی مسجد بود، می‌توان به این مورد اشاره کرد: در مملکت ما عده‌ای دین را باعث بدبختی و فقر می‌دانند. این بزرگ‌ترین اشتباه ملت ماست. اگر احکام دین را به خوبی انجام دهند، همه‌ی کارها درست می‌شود. این دین نیست که شما را بدبخت و بیچاره می‌کند؛ بلکه گردانندگان بدسرت مملکت عامل بدبختی و فقر هستند. چرا اسم دین را بدنام می‌کنند؟ این‌ها هستند که ملت را به لب پرتگاه می‌کشاند. همه‌ی بدبختی‌ها از خود دستگاه حاکمه است؛ ولی همه‌ی فریادهای انسان را در سینه‌ها خفه کرده‌اند. ایشان در سخنرانی‌های خود و سایر وعاظ تأکید داشت مطالبی گفته نشود که فقط احساسات را برانگیزد و بی‌محتوا باشد؛ مطالب باید روشن‌گر و آگاهی‌بخش باشند.

از دیگر وعاظ مسجد می‌توان به آیت‌الله مطهری، دکتر محمدجواد باهنر، عباس علی روحانی، عبدالکریم هاشمی نژاد و حجة‌الاسلام قرائتی اشاره کرد. تمرکز سخنرانی‌های آیت‌الله مطهری روی مباحثی نظیر راه‌گریز از کفر، چپ‌گرایی و مادی‌گرایی بود. دکتر باهنر در جهت از بین بردن عوامل خارجی‌ای (چون خرافه‌پرستی) تلاش می‌کرد که در دین رخنه کرده بودند. در این راستا، ایشان بر دو نکته تأکید داشتند: ۱. فقط نباید به کسب معلومات دینی پرداخت و باید در همه‌ی علوم پیشرفت کرد؛ ۲. آگاهی مردم به اینکه حکومت‌ها برای رسیدن به اهداف خود و استفاده از آن‌ها به دین رنگ تازه‌ای می‌دهند و آن‌ها را گول می‌زنند. شهید عبدالکریم هاشمی نژاد درباره‌ی سه مطلب سخنرانی می‌کرد: ۱. ویژگی حکومت اسلام در برابر حکومت کمونیستی و سرمایه‌داری و اینکه در اسلام نه کمونیستی مطلق

مطرح است و نه سرمایه‌داری مطلق، تعادل این دو حکومت مطرح است؛ ۲. آگاه کردن مردم از خطر کمونیست‌ها؛ ۳. بحث درباره‌ی معاد، روز رستاخیز و انحراف‌های اخلاقی جوانان. آقای قرائتی نیز، ضمن تفسیر آیات قرآن، با کنایه به رژیم حاکم اشاره می‌کرد؛ مثلاً با اشاره به آیات مربوط به فرعون می‌فرمود: ظلمی که از سوی طاغوتیان به مردم تحمیل شود، دوام ندارد.

ب - پایگاه ضد صهیونسیم

در موقعیتی که حکومت ایران در صف حامیان اسرائیل قرار داشت، مسجد جلیلی یکی از پایگاه‌های مبارزاتی علیه اسرائیل بود و از فلسطینی‌ها حمایت می‌کرد. بسیاری از سخنرانی‌های وعاظ با یادآوری مظلومیت مردم فلسطین، دعا برای آزادی آنان و شکست صهیونسیم خاتمه می‌یافت. در کنار این دعاها، شعارها (از قبیل خدا لعنت کند اسرائیل را) و کمک‌های مالی نیز وجود داشت. در این مسجد، علاوه بر کمک به مردم فلسطین، به شیعیان جنگ‌زده‌ی لبنان نیز کمک می‌شد.

در زمینه‌ی گروه‌های شرکت‌کننده در مسجد جلیلی باید بر دو نکته تأکید کرد. نخست، جوان‌گرایی و جذب جوانان: یکی از عوامل موفقیت مسجد پیوند با جوانان بود. عاملی که سبب جذب جوانان (به‌خصوص دانشجویان) به مسجد می‌شد حضور وعاظی بود که به اسلام و انقلاب علاقه داشتند. به‌طور خلاصه باید گفت بازگویی مسائل مذهبی، به زبان روز، برای جوانان جذاب بود. مسجد برای بازدهی بهتر از جوانان استفاده می‌کرد. نکته‌ی دوم، غیربومی بودن اعضای مسجد: بیشتر افرادی که به مسجد می‌آمدند، به محله‌های دیگر تعلق داشتند. عامل مهم جذب این افراد فعالیت‌های مذهبی مسجد بود. علاوه بر افراد و گروه‌های مذکور، مبارزان سیاسی دیگری نیز در جلسات مسجد شرکت داشتند؛ نظیر اعضای سازمان مجاهدین خلق اولیه، ملی‌گرایان، اعضای نهضت آزادی از جمله مهندس بازرگان، یدالله سبحانی، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع‌زادگان، ناصر صادق (از اعضای سازمان و عضو کمیته‌ی مرکزی این سازمان که در سال ۱۳۵۰ در درگیری خیابانی، قبل از دستگیری، با نارنجک خودکشی کرد)، احمد رضائی و همچنین سیدعلی اندرزگو (یکی از عاملان ترور حسنعلی منصور).

دراصل، چرخه‌ی اصلی فعالیت‌های سیاسی مسجد جلیلی را آیت‌الله مهدوی هدایت می‌کرد. گرایش ملی‌گراها و اعضای نهضت آزادی به مسجد جلیلی به این دلیل بود که آیت‌الله مهدوی را قبول داشتند. آیت‌الله مهدوی درخصوص گرایش گروه‌های سیاسی-مذهبی و افرادی چون استاد مطهری و شهید بهشتی به وی می‌گوید: آن زمان، روحانیانی که تا حدودی روشن‌تر فکر می‌کردند نمی‌توانستند

خود را به طور کلی از روحانیت جدا کنند؛ به همین دلیل آن‌ها به سمت مرحوم آیت‌الله طالقانی، بعد مرحوم مطهری و بعد هم مرحوم شهید بهشتی روی آوردند. از آنجا که مسجد ما مسجد انقلابی‌ها بود، با بنده هم ارتباط داشتند. از دیگر افرادی که در برنامه‌های مسجد (پیش از انقلاب) حضور داشتند، می‌توان به آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اشاره کرد.

ج - پخش اعلامیه

از دیگر فعالیت‌های سیاسی مسجد جلیلی پخش اعلامیه بود. پخش اعلامیه‌ها در طیف وسیعی صورت می‌گرفت و فقط به شهر تهران محدود نمی‌شد. در شهرستان‌ها نیز اعلامیه‌ها را از طریق افراد مرتبط با مسجد توزیع می‌کردند. افرادی اعلامیه‌های امام را از رادیو لندن یا رادیو عراق ضبط می‌کردند و بعد از نوشتن آن‌ها را پخش می‌کردند. پخش اعلامیه‌ها زیر نظر آیت‌الله مهدوی بود. نحوه‌ی توزیع آن در مسجد این گونه بود: در مسجد جلیلی اعلامیه می‌آوردیم و پخش می‌کردیم، ده یا بیست عدد از اعلامیه‌های امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) را همان‌جا که نشسته بودیم یا در صف جماعت زیر پایمان می‌گذاشتیم، وقتی می‌رفتیم کسی نمی‌دانست اینجا چه کسی نشسته بود و جلوی اعلامیه بود، بعد این‌ها را برمی‌داشتند و می‌خواندند. گاهی اعلامیه‌ها را در جامه‌ری هم می‌گذاشتیم.

یکی از اتفاق‌هایی که در ارتباط با مسجد جلیلی افتاد، کشته‌شدن حسنعلی منصور (دومین نخست وزیر انقلاب سفید) بود به دست محمود بخارایی، در بهمن ۱۳۴۳. با تصویب لایحه‌ی مصونیت قضائی اتباع آمریکایی (کاپیتولاسیون)، که امام آن را سند بردگی ملت ایران بیان می‌کرد، مردم آرام نشستند؛ زیرا تصویب چنین لایحه‌ای نه تنها توهین به ملت ایران بود، بلکه نشان‌دهنده‌ی ضعف و ناتوانی دولت و دستگاه قضائی کشور بود. این ناآرامی‌ها سرانجام به کشته‌شدن حسنعلی منصور انجامید. ساواک پس از اطلاع از ارتباط مسجد با جریان قتل منصور، حیطه‌ی نظارتی خود را افزایش داد و مأمور ویژه‌ای، پس از آموزش، به مسجد اعزام کرد تا مرتب در جلسه‌ها شرکت کند و اطلاعات لازم را کسب کند.

د - دیگر فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی

یکی از فعالیت‌های فرهنگی مسجد جلیلی امور آموزشی بود. موفقیت مسجد در جذب جوانان به این دلیل بود که علاوه بر مسائل دینی وارد فعالیت‌های آموزشی نیز شد. با این کار، هم در جهت پرورش فکری جوانان گام برداشت و هم از آن پوششی مناسب درست کرد برای مبارزه علیه رژیم. گل افشانی (یکی از اعضای ثابت مسجد جلیلی) ضمن تأیید این مطلب می‌گوید: برای آگاه‌شدن مردم باید کار

فرهنگی کرد. اگر مردم از حقیقت و واقعیت اطلاع پیدا کنند، خودشان همچون نیروی محرک در اجتماع اثرگذار می‌شوند؛ به این دلیل ما کار فرهنگی را شروع کردیم. یکی دیگر از فعالیت‌های آموزشی مسجد جلیلی آموزش رایگان (هم در زمینه‌ی قرآن و هم در درس دیگر چون فیزیک، شیمی، ریاضی و زبان انگلیسی) بود که مورد توجه جوانان و خانواده‌های کم‌درآمد قرار گرفت. علاوه بر این، جلسات هفتگی تفسیر قرآن، دعای ندبه و دعای کمیل نیز برگزار می‌شد.

یکی از اقدامات مفید مسجد جلیلی تأسیس کتابخانه بود (در آن زمان دومین مسجد تهران بود که کتابخانه داشت). بیشتر کتاب‌ها به جوانان و مسائل آنان مربوط بود. یکی از مسئولان در این باره گفته است: برای تشویق مردم به کتابخوانی از افراد می‌خواستیم خلاصه‌ی کتابی را که می‌خوانند بنویسند، خلاصه‌ها را جمع می‌کردیم و به بهترین آن‌ها جایزه می‌دادیم. البته همه‌ی این کارها با نظارت آیت‌الله مهدوی انجام می‌گرفت (اسم این مراسم جشن کتاب بود). بعدها مساجد دیگر، به تقلید از مسجد جلیلی، سیاست آموزش و جذب دانش‌آموز را در پیش گرفتند.

همه‌ی تلاش آیت‌الله مهدوی هدایت جوانان در مسیر درست زندگی و ایجاد مانع در برابر رسوخ‌گرایی‌های انحرافی بود. ایشان در خصوص برگزاری جلسات اقتصادی چنین می‌گوید: از یک طرف، می‌دیدیم مارکسیست‌ها جوانان را منحرف می‌کنند و اوضاع مملکت جوانان را به فساد و بی‌بندوباری می‌کشاند و از طرف دیگر، جوانان علاقه‌مند به مبارزه بیشتر به چپ‌ها و کمونیست‌ها گرایش داشتند؛ به همین دلیل بحث‌های اقتصادی را مطرح کردم. بخشی از این بحث‌ها به اصول اعتقادی مربوط می‌شد و بخشی دیگر به مسائل اقتصادی.

ه - امور خدماتی جهت‌دار

یکی از امور خدماتی گروه مددکاران بیماران و مستمندان بود. اقدامات مسجد در این زمینه عبارت بود از: ۱. کمک‌رسانی به اقشار کم‌درآمد، آسیب‌دیدگان زلزله و سیل و همچنین مردم رنج‌کشیده‌ی فلسطین؛ ۲. عیادت از بیماران (سرکشی به بیمارستان‌های بوعلی، فیروزآبادی و کهریزک و توزیع مواد غذایی، لباس و کتاب‌های مذهبی). این گروه در ۱۳۴۹، به پیشنهاد حاج محمود سبحانی، تشکیل شد و آیت‌الله مهدوی و حاج جلیلی بسیار از آن استقبال کردند. نخست، مسئولیت اصلی این گروه به عهده‌ی آقای اتابکی بود؛ ولی بعد از شهادت ایشان آقای دلشاد مسئول گروه شد. همچنین، این گروه به بیماران کمک می‌کرد که امکان پرداخت هزینه‌ی مداوای خود را نداشتند. آنان بیماران مستمند را به پزشکی معرفی می‌کردند که آنان را مجانی معالجه می‌کردند. داروهای مورد نیاز نیز از داروخانه‌ای

در سعدی شمالی تهیه می‌شد. مسجد از این فعالیت‌ها (امور خدماتی) هم در جهت کمک‌رسانی به نیازمندان بهره می‌گرفت و هم از آن‌ها همچون پوششی برای فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌کرد. آیت‌الله مهدوی در خصوص دو وجهی عمل کردن مسجد می‌فرماید: اسلام هم کمک به محرومان را دارد، هم کمک به نهضت. منتها این برای ما پوشش خوبی بود که هم به محرومان کمک کنیم، هم کارهایمان را انجام دهیم.

صندوق‌های امداد از دیگر فعالیت‌ها بود. صندوق‌های امداد طرح ابتکاری مسجد جلیلی بود. پس از انقلاب، این طرح با الهام از الگوی مسجد جلیلی، در سطحی گسترده، در کمیته‌های امداد دنبال شد. صندوق‌های جمع‌آوری اعانات یکی از منابع درآمد مسجد برای تأمین هزینه‌های امدادرسانی بود و روی آن نوشته شده بود: «بیماران را دریابید». این صندوق‌ها در مراکز درمانی و برخی مغازه‌ها نصب شده بود. خانواده‌های نیازمند ماهی یک‌بار از مسجد مبلغی دریافت می‌کردند. خانواده‌های تحت پوشش مسجد، علاوه بر دریافت خرج تحصیل فرزندانشان، موقع ازدواج آنان نیز برای خرید جهیزیه کمک دریافت می‌کردند. در حال حاضر نیز مسجد تا آنجا که مقدور باشد جهیزیه‌ی دختران را تأمین می‌کند.

مسجد جلیلی در زمینه‌ی برگزاری جشن و اعیاد مذهبی نیز فعالیت داشت. هدف از برگزاری جشن‌ها (عید فطر، قربان، غدیر، مبعث، جشن میلاد ائمه‌ی اطهار، جشن کتاب) گسترش فرهنگ اسلامی بود. گل افشانی در خصوص برگزاری این جشن‌ها چنین می‌گوید: به‌طور کلی، از هر فرصتی برای ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه استفاده می‌کردیم. تولد ائمه اطهار زمان مناسبی بود تا مردم را دعوت کنیم و مطالب اسلامی را برایشان شرح دهیم. مسجد در برگزاری اعیاد مذهبی هم از اهداف سیاسی خود غافل نمی‌شد و با شعارهای تند و تحریک‌آمیز (مانند اسلام یعنی تحرک، مسلمان سکوت یعنی چه، فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً) منظور خود را اعلام می‌کرد. برنامه‌های جشن شامل تلاوت قرآن، دکلمه‌ی اشعار مذهبی، اجرای سرودهای مذهبی، اجرای نمایشنامه و سخنرانی بود. و - ساواک و مسجد جلیلی

مسجد جلیلی در اوایل دهه‌ی چهل وارد مبارزه شد. نوع مبارزه‌ی مسجد عقیدتی بود و مروجان فکر و اندیشه‌ی انقلابی در نوسازی افکار جوانان تلاش می‌کردند. گزارش‌های روزبه‌روز مأموران ساواک از جلسات مسجد گواه بر احساس خطر حکومت بود. در پی وقایع سال ۱۳۴۲، فشار بر کانون‌های مخالف رژیم شدت گرفت و در جلسه‌ی ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ عاملان رژیم محدودیت‌های ویژه‌ای برای

برگزاری مراسم سوگواری ماه محرم پیش‌بینی کردند؛ از جمله مشخص کردن وعاظ مسجد، نظارت دقیق بر مطالب و ارائه‌ی دستورهای لازم درمورد وعظ به همه‌ی وعاظی که وارد شهر می‌شدند. در چنین موقعیتی آیت‌الله مهدوی همچنان به کار خود ادامه می‌داد. به دلیل اینکه ساواک آوردن نام امام را ممنوع کرده بود، ایشان با الفاظی دیگر مقصود خود را می‌رساند؛ مانند آقا و حضرت استاد.

فعالیت‌های آیت‌الله مهدوی همان‌گونه ادامه داشت، تا شب ۲۳ رمضان سال ۱۳۵۴ که ساواک ایشان را دستگیر و به بوکان کردستان تبعید کرد. بعد از تبعید ایشان، ساواک تعهد گرفت نامی از امام در مسجد جلیلی برده نشود. آقای قاضی طباطبائی در این باره می‌گوید: وقتی به بنده گفتند آقای جلیلی تعهد داده است اسم امام برده نشود، گفتم مجلسی که در آن اسم امام برده نشود چه فایده‌ای دارد. در اولین جلسه بعد از این ماجرا اسم امام برده نشد؛ اما قبل از متفرق شدن جمعیت من شعاری برای امام خواندم و برای سلامتی‌شان صلوات فرستادم. وقتی جمعیت صلوات فرستاد مأموران داخل ریختند. یکی از حضار مجلس دست مرا گرفت و گفت باید شما را تحویل دهم که البته با وساطت دیگران از دست او رها شدم.

واکنش مردم پس از تبعید آیت‌الله مهدوی قابل توجه بود. در شب ۲۲ ماه مبارک رمضان جلسه‌ی دعای کمیل در مسجد جلیلی برگزار شد. دعا را مشتاقی، دلشاد و اتابکی خواندند. آن‌ها از تبعید آیت‌الله مهدوی خیلی ناراحت بودند و با گریه می‌گفتند آیت‌الله برای سه سال به بوکان تبعید شده است. در اواخر جلسه، نواری را پخش کردند که آیت‌الله مهدوی در آن دعای کمیل می‌خواند؛ ولی به دلیل تذکر مشهدی نقی (خادم مسجد) صدای نوار قطع شد. در آن زمان، وعاظ به دلیل وحشت از ساواک نام امام را نمی‌بردند؛ تا آنجا که وقتی از یکی از وعاظ معروف تهران، برای نیمه‌ی شعبان، دعوت شد گفت به شرطی می‌آید که اسمی از امام برده نشود.

علاوه بر حضور دائمی مأموران در مسجد، ساواک برای کسب اطلاعات کارهای دیگری نیز انجام می‌داد: ۱. بیشتر خادمان مسجد از جاسوسان ساواک بودند و برای همین همه‌ی مسجدی‌ها از خادمان حساب می‌بردند و فاصله می‌گرفتند؛ ۲. ساواک از افراد فعال مسجد برای خبرچینی استفاده می‌کرد که این روش موفقیت‌چندانی نداشت. نمونه‌ای از این مورد پیشنهاد همکاری به مختارپور بود که ایشان گفتند: من با شما کاری ندارم و هر کاری می‌خواهید بکنید؛ ۳. ساواک سعی می‌کرد در هیئت امنای نفوذ کند.

فعالیت‌های مبارزاتی مسجد جلیلی تا آنجا پیش رفت که ساواک برگزاری جلسات را ممنوع کرد. از آن پس، تا سال ۱۳۵۳، جلسات به صورت سیار برگزار می‌شد. ساواک به آیت‌الله مهدوی بسیار حساس بود؛ زیرا او از روحانیان افراطی مخالف دولت و طرفدار جدی امام خمینی (رحمة الله علیه) بود. به عقیده‌ی ساواک وی فردی بسیار متعصب بود و نه تنها به تذکرات و اقدامات قانونی توجه نداشت، بلکه از موقعیت خویش سوءاستفاده می‌کرد و برای پیشرفت مقاصد گروه‌های خرابکار فعالیت می‌کرد. ساواک اشاره کرده است که وی در مراحل مختلف بازجویی سعی می‌کرد مأموران را اغفال و حقایق را کتمان کند و همچنین اطلاعات را مخفی می‌کرد. آیت‌الله مهدوی به اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران، در سال ۱۳۵۴، دستگیر و به چهار سال حبس جنایی درجه یک محکوم شد.

نتیجه

مسجد جلیلی همچون نهاد سیاسی فعالی، از آغاز دهه‌ی چهل تا امروز، بی‌وقفه فعالیت داشته است. این مسجد فعالیت‌های پیش از انقلاب خود را مرهون زحمات مستمر آیت‌الله مهدوی کنی بوده است؛ زیرا ایشان با مدیریت سیاسی و عقیدتی مسجد را به کانون مخالف حکومت بدل کرد و ماهیت واقعی مسجد را با کارکرد سیاسی - آموزشی عجین ساخت. حضور گسترده‌ی دانشجویان، اعضای فعال گروه‌های سیاسی، و عاظ انقلابی و شخصیت‌های دینی مبارز پویایی و جذابیت مسجد جلیلی را نشان می‌دهد. پس از انقلاب، آیت‌الله مهدوی به دلیل مسئولیت‌هایش در امور اجرایی کشور از امامت مسجد جلیلی دست کشید. پس از او آقای رستگاری، سپس آقای اسلامی و در نهایت آقای سجادی امام جماعت مسجد جلیلی شدند. البته مسجد بعد از انقلاب رونق سابق خود را پیدا نکرد. البته، مسجد همچنان در ارائه‌ی خدمات و دستگیری از مستمندان، مانند سابق، فعالیت دارد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد